

پروردگار ممنوع گشته است. (۱۹) زیرا بدانید کسی که عجولانه قضاوت می کند درباره او نیز عجولانه قضاوت خواهد شد. بنابراین کسی که دیگران را سرکوب می کند خداوند در عوض او را سرکوب خواهد کرد. (۲۰) می دانید که نوشته های مقدس چه می گوید؟ انسان نباید کسی را سرکوب کند و درباره دیگران به قضاوت پردازد، زیرا خداوند می فرماید: داوری کار من است و گرفتن انتقام نیز کار من است و منم که پاداش خواهم داد. (۲۱) و کسی که از سر خشم و غضب بر ضد کار خداوند و علیه خاندان اسرائیل که با خداوند پیمان بسته اند بگوید: ما کار خداوند را بی اثر می کنیم و خداوند پیمانی را که با خاندان اسرائیل بسته است نادیده می گیرد، چنین فردی محکوم به مرگ است و به آتش جهنم افکنده خواهد شد. (۲۲) زیرا اهداف جاودانی خداوند ادامه پیدا خواهد کرد تا تمام وعده های او تحقق پذیرد. (۲۳) پیشگویی های اشعیا را بیابید و بدانید که من از تحریر آنها عاجزم. آری، من به شما می گویم: پارسایانی که پیش از من از این جهان رخت بر بسته اند، کسانی که مالك این سرزمین بوده اند فریاد بر خواهند آورد. آری، از درون خاک به سوی پروردگار فریاد بر خواهند آورد. و به خدای حی سوگند که پیمان هایی را که با آنان بسته است از یاد نخواهد برد. (۲۴) و او می داند که نیایش آنان به خاطر برادران خود بوده است و او به ایمان آنان واقف است، زیرا آنان به نام او می توانستند کوه ها را جابجا کنند و به نام او می توانستند زمین را به لرزه در آورند و به قدرت کلام او می توانستند زندان ها را در روی زمین درهم فروریزند. آری، در واقع به سبب قدرت کلام او نه تنور آتشین می توانست به آنان آسیبی وارد آورد، نه جانوران درنده و نه مارهای سمی. (۲۵) بدانید که عبادت آنان به خاطر او نیز بوده است تا خداوند اجازه دهد این امور انجام پذیرد. (۲۶) و ضرورتی ندارد بگویید که چنین نخواهد شد، زیرا یقیناً چنین خواهد شد. و آنان به دست پروردگار از زمین بیرون خواهند آمد و کسی نمی تواند از اجرای این کار جلوگیری کند. و این نوشته ها در روزی فرا خواهند رسید که گفته شود دیگر معجزه ای در کار نخواهد بود و بطوری فرا خواهند رسید که گویی مردگان سخن

می گویند. (۲۷) و در روزی خواهند رسید که خون پارسایان به سبب انجمن های پنهانی و اعمال تبهکارانه مردم به پروردگار استغاثه خواهند کرد. (۲۸) آری، و نوشتها در روزی پیش می آیند که انسان قدرت خداوند را انکار می کنند و کلیساها آلوده می گردند و در دل به خود می بالند. آری، در آن روز حتی پیشوایان کلیسا و معلمان در دل بر خود می بالند و آنان حتی به برادران کلیسایی خود حسد می ورزند. (۲۹) آری، و نوشته‌ها در روزی فرا خواهند رسید که از آتش سوزی و طوفان و غبار ظلمت در سرزمین های خارجی آگاه می شویم. (۳۰) و همچنین از جنگ ها و شایعات جنگی و زمین لرزه‌ها در نقاط مختلف آگاه می شویم. (۳۱) آری، و گذارشها در روزی پیش آورده میشوند که آلودگی و خیمی سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و جنایت و غارتگری و دروغگویی و تقلب و فحشا و انواع پلیدی های دیگر شایع خواهد شد و بسیاری خواهند گفت: چنین و چنان کنید. ولی این اهمیتی ندارد، زیرا خداوند آنان را در روز واپسین می بخشاید. ولی وای بر کسانی که در ظلمت و گناه باقی می مانند. (۳۲) آری، در روزی فرا خواهند رسید که کلیساهایی بنا می گردند که می گویند: به ما روی آورید که گناهانتان به خاطر ثروتتان بخشوده خواهد شد. (۳۳) ای قوم شرور و فاسد و سرکش، چرا کلیسا را برای سود خود بنا کرده‌اید؟ چرا کلام حق را تحریف کرده‌اید تا در فوز لعنت و نفرین باشید؟ اینک به مکاشفات خداوند توجه کنید. زیرا روزی فرا خواهد رسید که باید همه این امور تحقق پذیرد. (۳۴) بدانید که خداوند وقایع عظیم و شگفت آوری را که باید بزودی در روز مقرر در میان ما رخ دهد به من نشان داده است. (۳۵) اینک که با شما سخن می گویم گویی شما در پیش روی من میباشید، ولی چنین نیست. اما بدانید که عیسی مسیح شما را به من نشان داده است و من به اعمال شما واقفم. (۳۶) و من می دانم که شما در هر قدمی که بر می دارید در دل به خود می بالید. تنها معدودی از شما هستند که به جامه گرانبهای خود نمی بالند و از حسد و بد خواهی و آزار و معاصی دورند. و کلیساهای شما، آری، بدون استثناء، به سبب نخوتی که به خود راه داده‌اید آلوده است. (۳۷) زیرا همانا،

شما به مال و دارایی خود و به لباس های فاخر و تزئینات کلیساهای خود دل بسته‌اید و آنها را بیشتر از فقرا و نیازمندان و بیماران و محنت زدگان دوست دارید. (۳۸) ای ناپاکان، ای ریاکاران و ای معلمانی که در خدمت فساد هستید، چرا کلیسای مقدس خدا را آلوده ساخته‌اید؟ چرا از این که نام مسیح را بر خود نهید شرم دارید؟ چرا فکر نمی‌کنید که ارزش سعادت جاودانی بیش از آن بدبختی ناپایانی است؟ بخاطر ستایش جهان؟ (۳۹) چرا خود را با اشیایی که از حیات تهی است می‌آرایید؟ و به گرسنگان و محتاجان و برهنگان و بیماران و محنت زدگانی که از کنارتان می‌گذرند اعتنایی ندارید؟ (۴۰) آری، چرا برای سود خود پنهانی به اعمالی ناشایست دست می‌زنید؟ و باعث می‌شوید که بیوه زنان و همچنین یتیمان به درگاه خداوند استغاثه کنند و نیز براه گرفتن انتقام از شما، خون پدران و شوهران مرده آنان به درگار خداوند بگریند؟ (۴۱) بدانید که شمشیر انتقام بالای سر شماست و بزودی زمانی فرا خواهد رسید که خداوند انتقام خون پارسایان را از شما خواهد گرفت، زیرا او بیش از این استغاثه آنان را تحمل نخواهد کرد.

باب نهم

گفتگوی مورونی با بی ایمانیان - گواهی او درباره مسیح - زبان نافیان، که بنام زبان مصری پیشرفته شناخته می‌شد.

(۱) و اینک من درباره کسانی که به مسیح ایمان ندارند سخن می‌گویم. (۲) اکنون آیا شما در روز دیدار اعتقاد نخواهید داشت؟ در هنگامی که مسیح ظهور می‌کند، آری در آن روزی که جهان چون طوماری درهم پیچیده خواهد شد و همه چیز با آتش سوزان ذوب خواهد گشت، آری، آیا در آن روز بزرگ که خود را در برابر بره خدا می‌بینید، خواهید گفت که خدایی وجود ندارد؟ (۳) آیا پس از آن که فرزند خدا را به چشم خود دیدید می‌توانید وجود او را انکار کنید؟ آیا می‌پندارید با وقوف بر گناهان خود در پیشگاه او بسر خواهید برد؟ آیا می‌پندارید با علم به این که از شریعت او تخطی کرده‌اید می‌توانید در جوار ذات مقدس او شادمان باشید؟ (۴) هان! من به شما می‌گویم که شما با علم به

آلودگی‌هایتان خویشان را در جوار ذات مقدس او خوارتر از آن خواهید یافت که در مجالست با ارواح خبیث در جهنم خواهید دید. (۵) زیرا بدانید که در آن هنگام که خود را برهنه در برابر خداوند می‌بینید تا به حقیقت وجود خود و همچنین به جلال و عظمت خداوند و روحانیت عیسی مسیح پی برید، شعله‌ای از آتش سوزان به شما خواهد رسید. (۶) ای قوم بی‌ایمان به سوی خداوند خویش روی آورید و به درگاه پدر آسمانی و به نام عیسی مسیح با خلوص نیت تضرع کنید تا شاید در آن روز بزرگ واپسین منزّه، پاك، و سپید باشید که با خون فرزند خدا تطهیر شوید. (۷) و بار دیگر روی سختم با شماست که مکاشفات الهی را باور ندارید و می‌گویید که ما را با آن کاری نیست و می‌گویید: نه مکاشفه و پیشگویی و هدیه و شفایی در کار است و نه تکلم به زبانی و تفسیر آن. (۸) هان! من به شما می‌گویم: کسی که این امور را منکر می‌گردد از انجیل مسیح بی‌خبر است. آری، او نوشته‌های مقدس را مطالعه نکرده است و اگر هم مطالعه کرده آنها را درك نکرده است. (۹) آیا در این نوشته‌ها نخوانده‌ایم که خداوند دیروز و امروز و همیشه یکسان است و تغییر نمی‌پذیرد و لا‌تغیر می‌ماند؟ (۱۰) حال اگر در ذهن خود تصویری از خدایی تغییر پذیر دارید و در وی احتمال دگرگونی می‌بینید، در آن صورت خدای ذهنی شما خدای صاحب معجزه نخواهد بود. (۱۱) ولی بدانید که من خدای صاحب معجزات را به شما نشان خواهم داد، خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدایی که خالق زمین و آسمان و تمام مخلوقات عالم است. (۱۲) بدانید که او آدم را آفرید و به توسط آدم، انسان سقوط کرد و به سبب سقوط آدم، عیسی مسیح، حتی پدر و پسر، ظهور کرد و با ظهور مسیح رستگاری آدمی تحقق پذیرفت. (۱۳) و به سبب آن که رستگاری آدمی به دست عیسی مسیح انجام می‌پذیرد آدمیان به پیشگاه خداوند باز می‌گردند. آری، در اینجا است که همه افراد بشر نجات می‌یابند، زیرا با مرگ مسیح رستاخیز به وقوع می‌پیوندد و آدمیان از خوابی بی‌انتها بیدار می‌شوند، از خوابی که به قدرت پروردگار با نفیر از خواب بیدار می‌شوند و همه از كوچك و بزرگ به پیش می‌آیند و در برابر کرسی عدل او می

ایستند و از بند جاوید مرگ که مرگی دنیوی است آزاد می گردند. (۱۴) و مرحله بعد داوری درباره آنان به وسیله قودوس آسمانی است. آنگاه زمانی فرا می رسد که کسی که آلوده است همچنان آلوده و کسی که پرهیزگار است همچنان پرهیزگار باقی خواهد ماند، کسی که خوشبخت است همچنان خوشبخت و کسی که بدبخت است همچنان بدبخت باقی خواهد ماند. (۱۵) و حالا، ای کسانی که در ذهن خود پنداشته‌اید که خداوند فاقد معجزه است، من از شما می پرسم: آیا تمام چیزهایی که من از آنها سخن گفته‌ام پایان پذیرفته است؟ آیا کار به پایان رسیده است؟ هان! من به شما می گویم که خیر، و خداوند هنوز از نشان دادن معجزات خود باز نایستاده است. (۱۶) آیا کارهای شگفت آور خداوند را به چشم خود ندیده‌اید؟ سخن در این است که چه کسی می تواند کارهای شگفت آور خداوند را درك کند؟ (۱۷) چه کسی می تواند منکر این معجزه بشود که به قدرت کلام او آسمان و زمین شکل یافت و بقدرت کلامش آدم از خاک به وجود آمد و به قدرت کلام او معجزاتی صورت گرفت. (۱۸) و چه کسی می تواند بگوید که عیسی مسیح به معجزاتی شگرف دست نزده است؟ (۱۹) و اگر معجزاتی صورت گرفته است چگونه می توان گفت که خداوند از نشان دادن معجزات باز ایستاده است، ولی او همچنان خدایی تغییرناپذیر است؟ و هان! من به شما می گویم: خداوند تغییر نمی پذیرد و اگر چنین می شد دیگر او خدا نبود. ولی او همچنان خدایی می کند و صاحب معجزات است (۲۰) و علت آن که خداوند در میان ابنای بشر به معجزاتی دست نمی زند آن است که مردم دچار بی ایمانی شده و از راه راست منحرف گردیده و از درك خدایی که باید به او ایمان آورند عاجزند. (۲۱) هان! من به شما می گویم: کسی که بی شك به مسیح ایمان بیاورد هر چه به نام مسیح از پدر آسمانی طلب کند به او عطا می گردد و تا همه نقاط دنیا این وعده به همه بندگان داده خواهد شد. (۲۲) و بدانید که مسیح، فرزند خدا، به حواریون خود که در جهان باقی ماندند، آری، و همچنین به سایر پیروان خود در حضور جمعیتی کثیر چنین گفت: به تمام عالم بروید و جمیع خلائق را به انجیل موعظه

کنید. (۲۳) هر که ایمان آورده تعמיד یابد نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد. (۲۴) و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که بنام من دیوها را بیرون کنند و بزبانهای تازه حرف زنند. و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند ضرری بدیشان نرساند و هرگاه دستها بر مریضان گذارند شفا خواهند یافت. (۲۵) و کسی که به نام من ایمان آورد، بی تردید، سر انجام تمام گفته‌های خود را به او به اثبات خواهم رساند تا هر نقطه دنیا. (۲۶) و حال بدانید چه کسی می تواند در برابر کارهای خداوند مقاومت کند؟ چه کسی میتواند بر ضد قدرت بی همتای او شورش کند؟ کی کارهای خداوند را ناچیز بشمرد؟ چه کسی می تواند گفته‌های او را انکار کند؟ چه کسی می تواند فرزندان مسیح را تحقیر کند؟ زنهار. ای کسانی که کارهای خداوند را ناچیز می شمردید، بدانید که آواره و نابود خواهید شد. (۲۷) پس خرده مگیرید و تردید روا مدارید، بلکه به کلام الهی گوش فرا دهید و به نام مسیح نیاز خود را از پدر آسمانی طلب کنید. تردید روا مدارید، بلکه با ایمان و از صمیم دل بمانند پیشین به سوی خداوند روی آورید و در پیشگاه وی با ترس و لرزش راهی برای رستگاری خود طلب کنید. (۲۸) در ایام آزمایش فانی خود از هرگونه پلیدی پرهیزید و خواهش نکنید که نفس خود را لذت دهید، ولی حاجات خود را با استواری تزلزل ناپذیری با او در میان نهید، که در برابر هیچ وسوسه‌ای تسلیم نشوید، بلکه در خدمت خدای راستین و حی اهتمام ورزید. (۲۹) متوجه باشید که ناپاک تعמיד نیابید. متوجه باشید که ناپاک در آئین شام خداوند شرکت نکنید و متوجه باشید که همه کارها را با شایستگی انجام دهید و آنها را به نام عیسی مسیح، پسر خدای حی انجام دهید و اگر بدین سان رفتار کنید و همیشه به این رویه ادامه دهید، هرگز مطرود نخواهید شد. (۳۰) بدانید که گویی من از گور با شما سخن می گویم و می دانم که سخنان من به گوش شما خواهد رسید. (۳۱) مرا به سبب نقائصی که دارم محکوم نکنید، پدرم را به سبب نقائصی که داشت محکوم نکنید و کسانی را که پیش از من قلم به دست گرفته‌اند محکوم نکنید. خداوند را سپاس گوید که نقائص ما را به شما نشان داد تا شما یاد کنید که

هوشیارتر از ما باشید. (۳۲) و اکنون بدانید که این گزارش را بر پایه معلومات خود و به خطی که آن را مصری پیشرفته می خوانیم به نگارش درآورده ایم. و آن خط از نسل به نسل رسیده است و تغییر یافته است بر طبق زبان ما. (۳۳) و اگر الواح اندکی بزرگتر بودند، مطالب آن را به زبان عبری هم می نوشتیم، ولی در عبری هم تغییراتی دادیم و اگر ممکن بود آن را فقط به عبری می نوشتیم و بدانید که در آن صورت کار بدون عیب و نقص بود. (۳۴) ولی خداوند از نوشته های ما آگاهی دارد و چون هیچ قوم دیگری زبان ما را نمی داند از این رو او وسیله تفسیر نوشته ها را فراهم ساخت. (۳۵) و این مطالب به نگارش درآمد تا ما بتوانیم جامه خود را از خون برادران خویش که دچار بی ایمانی گشته اند پاک گردانیم. (۳۶) و بدانید آنچه را که برای برادران خود می طلبیم، آری، رستاخیز آنان به سبب شناختن مسیح بر اثر ادعیه پارسایان این مرز و بوم است. (۳۷) باشد که سرور ما، عیسی مسیح، دعای آنان را بر حسب ایمانشان مستجاب کند. باشد که پدر آسمانی پیمانی را که با خاندان اسرائیل بسته است به خاطر داشته باشد. باشد که او آنان را به سبب ایمانی که به عیسی مسیح دارند برکت عطا فرماید. آمین.

کتاب مورونی

باب اول

بریشان حالی مورونی - مورونی به امید سعادت لامانیان قلم به دست میگیرد و مطالبی را به نگارش در میآورد.

(۱) و اینک این بنده، مورونی، پس از آن که به اختصار به شرح احوال قوم یارد پرداختم، تصور نمیکنم که دیگر بتوانم قلم به دست گیرم. اما هنوز زنده‌ام و سعی میکنم از لامانیان دوری جویم، زیرا چه بسا که آنان در صدد کشتنم بر آیند. (۲) زیرا آگاه باشید که آنان بین خود به منازعاتی فوق‌العاده سخت دست زدند و با نفرت هر یک از نافیان را که منکر مسیح نمیشود میکشند. (۳) و این بنده، مورونی، با آن که منکر مسیح نیستم و نخواهم بود، به این طرف و آن طرف میگردم تا حیات خود را حفظ کنم. (۴) لذا با مغایرت با تصورات قبلی‌ام به نوشتن مطالبی چند میپردازم. زیرا قبلاً چنین مینداشتم که دیگر قلم به دست نخواهم گرفت، ولی اینک به نوشتن ادامه میدهم، چه بسا این مطالب به مشیت الهی در آینده برادران لامانی را سودمند افتند.

باب دوم

بیان عطیه روح القدس توسط دوازده شاگرد نافیهی.

(۱) سخنان مسیح با شاگردان دوازدهگانه برگزیده خود، در حالیکه دست بر سرشان نهاد؛ (۲) آنان را به نام خوانده، گفت: در دعا و عبادت پدر را به نام من بخوانید و از آن پس با نیروئی که از او کسب کرده‌اید روح القدس را عطا کنید، و به نام من آن را عطا کنید، که شاگردان من باید چنین کنند. (۳) حال مسیح به هنگام ظهور نخستین خود با آنان چنین سخن گفت. عوام سخنان او را شنیدند ولی به سمع شاگردان رسید و روح القدس افتاد بر هر کسیکه شاگردان دست نهادند.

باب سوم

در بیان گماردن کشیشان و معلمین.

(۱) شیوه‌ای که حواریین یعنی ارشدان کلیسا کشیشان و معلمین را گماردند:
 (۲) پس از آنکه به نام مسیح به درگاه پدر دعا می‌گزاردند، دستان خود را به سر
 آنان کشیده، می‌گفتند: (۳) من به نام عیسی مسیح شما را به کشیشی می‌گمارم (و
 به معلمان گفته میشد: شما را به معلمی می‌گمارم) تا مردم را به میانجی عیسی
 مسیح به توبه و پایداری در ایمان به نام او موعظه کنید. آمین. (۴) و بدینسان بر
 طبق موهبت و دعوت الهی به کشیشی و معلمی گماشته میشدند. و این امر با
 نیروی روح القدس که در آنان بود انجام میشد.

باب چهارم

در بیان بجای آوردن مراسم بخش نان از آئین شام خداوند.

(۱) شیوه‌ای که ارشدان و کشیشان، آئین جان و خون مسیح را در کلیسا بجای
 می‌آوردند. اجرای این مراسم بر طبق دستورات مسیح صورت می‌گرفت. از این
 رو ما میدانیم که این شیوه باید درست باشد و مجری آن ارشد یا کشیش کلیسا
 میباشد. (۲) و آنان با اهل کلیسا زانو زده و به نام مسیح به درگاه پروردگار دعا
 می‌گزاردند و می‌گفتند: (۳) ای خدا، پدر جاویدان، ما بنام پسر تو عیسی مسیح از
 تو خواهش میکنیم این نانرا بروان همه آنهائی که از آن میخورند خجسته و پاك
 نامتی، تا آنها به یاد تن پسر تو بخورند و پیش تو ای پدر جاویدان، گواهی دهند
 که آماده هستند نام پسر تو را بر خود گذارند و همیشه او را به یاد آورند و
 فرمانهای او را که به آنها داده نگاه دارند تا روان او همیشه با آنها باشد. آمین.

باب پنجم

در بیان برگزاری مراسم بخش شراب مقدس از آئین شام خداوند.

(۱) شیوه برگزاری آئین شراب مقدس. همانا، جام را برداشته، می‌گفتند: (۲) ای
 خدا، پدر جاویدان، ما بنام پسر تو عیسی مسیح از تو خواهش میکنیم این شراب
 را بروان همه آنهائی که از آن مینوشند خجسته و پاك نامتی، تا آنها به یاد خون
 پسر تو که برای آنها ریخته شده اینرا انجام دهند، تا آنها پیش تو ای خدا پدر
 جاویدان، گواهی دهند که همیشه او را به یاد آورند تا روان او با آنها باشد.
 آمین.

باب ششم

در بیان آداب و شرایط تعمید - مقررات کلیسا.

(۱) و اکنون در باره تعمید سخن میگویم. بدانید که ارشدان، کشیشان و معلمان تعمید می یافتند و تا نشان میدادند که شایسته آن میباشند، تعمید نمی یافتند.

(۲) و فقط آن کس دل شکسته و نادم، کلیسا را گواه میگرفت که برآستی از گناهان خود توبه کرده است از برای تعمید پذیرفته میشد. (۳) و فقط آن کسی که نام مسیح را بر خود میگرفت و نشان میداد که مصمم است تا به آخر او را خدمتسکند از برای تعمید پذیرفته میشد. (۴) و پس از آنکه از برای تعمید پذیرفته میشدند و در سایه قدرت روح القدس منزّه میگشتند، در زمره پیروان کلیسای مسیح بهشمار میآمدند و نام آنان ثبت میشد تا از سیاد نروند و از فیض کلام الهی برخوردار شوند، و پرورش یابند، که در طریق حقیقت گام بردارند و همواره دعا بجای آورند و تنها به عنایات مسیح که ایمان را در آنان بوجود آورد و آن را به کمال رساند تکیه کنند. (۵) و اهل کلیسا به کرات برای دعا و روزه و مصاحبت با یکدیگر در مورد رفاء جان خود به گرد هم جمع میشدند. (۶) و آنان هر چند وقت هم جمع میشدند تا به یاد سرور خود، مسیح، نان و شراب بخورند. (۷) و سعی آنان بر این بود که کسی از آنان مرتکب گناه نشود. و آن کس که مرتکب گناه میشد و سه نفر به گناه او شهادت میدادند، به نزد ارشدان محکوم میشد و اگر توبه نمیکرد و به گناه خود اعتراف نمینمود، نامش محو میگردد و از آن پس در زمره پیروان مسیح بشمار نمی آمد. (۸) ولی آنگاه که خطاکاران با خلوص نیت توبه میکردند و طلب آمرزش مینمودند، بخشوده میشدند. (۹) و این گرد هم آئی آنان با منویال الهی و با قدرت روح القدس، به وسیله کلیسا رهبری میشده. زیرا روح القدس چه آنان را به موعظه و یا اندرز و میداشت یا به نیایش و التماس و یا خواندن سرود میکشاند، همان میشد.

باب هفتم

مورونی تعالیم مورمون را درباره ایمان، امید، و محبت عرضه میدارد.

(۱) و اینک این بنده، مورونی، شمه‌ای از سخنان پدرم، مورمون را که درباره ایمان، امید و محبت بیان داشته، بنگارش درمی‌آورم، زیرا او بدان هنگام که مردم را در کنائسی که برای عبادت بنا کرده بودند، تعالیم میداد، بدینسان سخن میگفت: (۲) و اینک برادران عزیزم، این بنده، مورمون، با شما سخن میگویم و با تأیید خداوند، پدر، و سرور ما عیسی مسیح و به مشیت او و به موهبتی که به من عطا فرموده، رخصت یافته‌ام در این موقع با شما سخن گویم. (۳) از این رو مایلیم با شما که اهل کلیسا هستید سخن گویم، شمائی که پیروان سلیم مسیح هستید و امید وافی دارید که بتوانید به ملکوت الهی راه یابید و از آن پس در آسمان با او در آرامش بسر برید. (۴) و اینک برادران من بخاطر سلوك مسالمت آمیزتان با مردم در باره شما اینگونه قضاوت میکنم. (۵) زیرا من کلام خداوند را بیاد می‌آورم که میفرماید: مردم را از روی کردارشان بشناسید، زیرا اگر کردارشان نیکو باشد، آنها نیز نیکو هستند. (۶) زیرا بدانی که خداوند فرموده است که آدم خبیث نمیتواند به کارهای نیک دست زند، زیرا اگر اتفاق کند یا بسوی خداوند دعا کند اجابت نخواهد شد مگر آنکه از روی صفا و خلوص نیت باشد. (۷) زیرا بدانید که کار او پرهیزکارانه تلقی نمیشود. (۸) زیرا هرآینه فردی شریر هدیه بدهد، آن را اگراهاً لطف میکند، پس مثل آن است که چیزی انفاق نکرده و لذا در برابر خدا نیکوکار بشمار نیاید. (۹) و به همین منوال اگر کسی دعا گزارد و نه با خلوص نیت، آری از آن سودی نخواهد برد، زیرا خداوند چنان عبادتی را نمیپذیرد. (۱۰) بنابراین آدم بد نه میتواند نیکوکار باشد و نه میتواند به نیکی انفاق کند. (۱۱) زیرا که نه از چشمه آلوده، آب زلال جاری میگردد و نه از چشمه زلال، آب آلوده. بنابراین کسیکه در انقیاد شیطان است نمیتواند پیرو مسیح باشد و اگر پیرو مسیح باشد نمیتواند در انقیاد شیطان باشد. (۱۲) بنابراین خداوند منشاء نیکی و شیطان منشاء پلیدی است. زیرا شیطان دشمن خدا است و مدام بر ضد او در جنگ است و پیوسته به وسوسه، گناه و اعمال زشت میپردازد. (۱۳) ولی همانا خداوند پیوسته بندگان را به اعمال نیک دعوت و ترغیب مینماید. بنابراین هر آنچه منشاء و محرک نیکوکاری و عشق و خدمات

به پروردگار است ملهم از اوست. (۱۴) بنابراین، برادران عزیزم، توجه کنید تا آنچه را که ناپسند است از سوی خدا ندانید و آنچه را که نیکوست و از جانب خداست از آن شیطان ندانید. (۱۵) زیرا همانا، برادران من، قدرت تشخیص خوب و بد و داوری درباره آن به شما داده شده است. و شیوه قضاوت به همان اندازه آسان است که روز روشن را با معرفتی کامل از شب تاریک باز میشناسید. (۱۶) زیرا بدانید که آدمیان در پرتوی برخورداری از روح مسیح میتوانند خوب را از بد تمیز دهند. لذا من شیوه قضاوت را به شما ارائه میدهم. زیرا هر آنچه آدمی را به نیکوکاری بخواند و ایمان به مسیح را در او تقویت کند، از قدرت و موهبت مسیح است. بنابراین یقین بدانید که آن از جانب خداست. (۱۷) اما هر آنچه آدمی را به اعمال زشت برانگیزد و ایمان او را به مسیح سست گرداند و منکر او شود و از خدمت به خدا روی بگرداند، یقین بدانید که آن از جانب شیطان است. زیرا شیطان بدینسان عمل میکند و احدی را به کار نیک ترغیب نمیکند و فرشتگان او و نیز کسانی که در انقیاد او هستند اینگونه اند. (۱۸) و اینک، برادران من، نوری را که با آن داوری میکنید میشناسید، که آن نور، نور مسیح است و دریابید که به خطا داوری نکنید، زیرا با همان معیاری که شما داوری میکنید، با همان معیار درباره شما نیز داوری خواهد شد. (۱۹) لذا، از شما برادرانم تمنا دارم که در پرتوی مسیح مجدانه کاوش کنید تا خوب را از بد باز شناسید و هرآینه به امور نیک دست بزنید، بدون تردید فرزند مسیح به شمار خواهید آمد. (۲۰) و اینک، برادران من، چگونه میتوانید به امور نیک دست زنید؟ (۲۱) و اینک، به مسئله ایمان میرسیم که قرار بود درباره آن سخن بگویم. و من طریق دست زدن به امور نیک را بر شما آشکار میسازم. (۲۲) و بدانید خداوندی که بوده و هست و بر همه چیز واقف است، فرشتگانی بر ابناء بشر نازل کرد تا ظهور مسیح را به آنان بشارت دهد، مسیحی که مظهر نیکیهاست. (۲۳) و خداوند نیز به زبان خود به پیامبران اعلام کرد که مسیح ظهور خواهد کرد. (۲۴) و بدانید که او بسیاری راههای خوب به ابناء بشر ارائه داد و منشاء هر کار نیک مسیح است والا انسان سقوط میکرد و از نیکها بی نصیب میشد. (۲۵) از این

رو در پرتو خدمت فرشتگان و کلامی که خداوند بر زبان جاری میساخت ایمان به مسیح در میان مردم پدید آمد. پس، از آن طریق مردم به امور نیک دست زدند، و تا ظهور مسیح بدین منوال گذشت. (۲۶) و پس از ظهور مسیح، مردم به سبب ایمانی که به نام او آورده بودند، رستگار شدند و فرزندان خدا بشمار آمدند. و او به وضوح خطاب به پدران ما گفت: هر حاجتی نیکو که از روی ایمان از پدر طلب کنید، بدانید که مستجاب خواهد شد. (۲۷) از این رو، برادران عزیزم، آیا معجزات بخاطر صعود مسیح به آسمان و قرار گرفتن او در کنار خدا جهت ادعای حقی که از برای نجات ابناء بشر دارد، متوقف شده است؟ (۲۸) زیرا او به مقاصد شریعت پاسخ داده است و کسانی را که به او ایمان آورند و به کارهای نیک دست زنند از خود میداند. بنابراین از مقاصد آنان حمایت میکند و جایگاه او تا ابد در آسمان است. (۲۹) و برادران عزیزم، آیا میپندارید معجزات بدین جهت متوقف گشته اند؟ زنهار، که من به شما میگویم: نه، چنین نیست و فرشتگان از خدمت به فرزندان آدمی باز نایستاده اند. (۳۰) زیرا بدانید که فرشتگان فرمانبرداران او هستند که دستوراتش را بکار میبندند و بر کسانی که ایمانی راسخ دارند و افکارشان ثابت از الهیات است ظاهر میشوند. (۳۱) و وظیفه فرشتگان دعوت مردم به توبه و به انجام رساندن پیمانهای است که پدر با فرزندان آدمی بسته است تا با انتشار کلام مسیح در میان برگزیدگان خدا، راه رستگاری را برای بشر مهیا سازند و آنان بتوانند بر او شهادت دهند. (۳۲) و خداوند، سرور ما، راه را بدینگونه مهیا میسازد تا سایرین نیز به مسیح ایمان آورند و روح القدس با قدرتی که داراست در قلوب آنان جایگزیند و بدین سان پدر به پیمانهای که با فرزندان آدمی بسته است تحقق میبخشد. (۳۳) و مسیح میفرماید: اگر به من ایمان آورید، دارای آنچنان قدرتی خواهید شد که هر آنچه مقتضی بدانم، بتوانید انجام دهید. (۳۴) و نیز فرموده است: ای جهانیان، توبه کنید و به من روی آورید و به نام من تعمید گیرید و به من ایمان آورید تا رستگار شوید. (۳۵) و اینک، برادران عزیزم، اگر چنین باشد که آنچه با شما در میان نهادم حقیقت باشد، و خداوند با قدرت و جلال عظیم خود در آخرالزمان به

شما نشان خواهد داد که آنها همه حقیقت است، و اگر حقیقت باشد، آیا روز معجزات متوقف گشته است؟ (۳۶) یا آیا فرشتگان از خدمت به فرزندان آدمی باز ایستاده‌اند؟ و آیا او قدرت روح القدس را از آنان دریغ داشته است؟ و آیا اینطوری باشد، تا دنیا دنیا است و تا احدی بر روی زمین باشد که نجات یابد؟ (۳۷) بدانید که من به شما میگویم که چنین نیست. زیرا به سبب ایمان است که معجزات کارگر میشود و به سبب ایمان است که فرشتگان ظاهر میشوند و در خدمت آدمیان در می‌آیند. بنابراین اگر این امور متوقف گردد، وای بر فرزندان آدمی که این ناشی از بی ایمانی آنهاست و همه باطل است. (۳۸) زیرا بنابه سخنان مسیح تنها کسانی رستگار میشوند که به نام او ایمان آورند. بنابراین اگر در این امور خللی وارد آید، سپس ایمان هم از میان رفته است و وضع آدمی بس وحشتناک خواهد بود و گوئی از برای او هیچ کفاره‌ای انجام نداده شده است. (۳۹) اما، برادران عزیزم، بدانید که من صفات بهتری در شما مبینم، زیرا میدانم که با فروتنی که دارید به مسیح ایمان آورده‌اید. چه اگر به او ایمان نیاورده بودید، شایسته آن نبودید که در شمار مردم کلیسا به حساب آئید. (۴۰) و باز هم، برادران عزیزم، من می‌خواهم درباره امید با شما سخن گویم. شما چگونه میتوانید بدون داشتن امید، از ایمان برخوردار شوید؟ (۴۱) این چیست که شما امید رسیدن به آن را دارید؟ همانا، به شما میگویم که از طریق کفاره مسیح و نیروی رستاخیز اوست که به حیات جاودان خواهید رسید. و این به سبب ایمانی است که به او آورده‌اید، بر طبق وعده‌ای که داده شده است. (۴۲) بنابراین کسی که ایمان دارد الزاماً بایستی امیدوار باشد. زیرا بدون امید ایمانی در کار نتواند بود. (۴۳) و آگاه باشید که باز هم به شما یاد آور میشود که آدمی بدون تواضع و فروتنی نمیتواند ایمان و امید داشته باشد. (۴۴) والا، ایمان و امید او باطل است، زیرا که خداوند بنده‌ای را که فروتن و دل افتاده نباشد نمیپذیرد و هرآینه بنده‌ای فروتن و دل افتاده باشد و در پرتوی نیروی روح القدس اعتراف کند که عیسی همان مسیح است، چنان بنده‌ای باید محبت داشته باشد و اگر نداشته باشد هیچ است. بنابراین، میبایستی چنان بنده‌ای

خیرخواه باشد. (۴۵) محبت حلیم و مهربانست. محبت کفر و غرور ندارد، سود خود را طلب نمیکند، به آسانی برانگیخته نمیشود، از ناراستی خوشوقت نمیگردد ولی با راستی شادی میکند. در همه چیز صبر میکند و همه را باور مینماید. در همه حال امیدوار میباشد و هر چیز را متحمل میباشد (۴۶) بنابراین، برادران عزیزم، اگر در خود محبت نمی بینید، هیچ هستید، زیرا محبت هرگز ساقط نمیشود. بنابراین، پیوسته خیرخواه باشید که آن برترین نیکی است که هرچیز دیگر ساقط میشود. (۴۷) اما محبت عشق پاک مسیح است که تا ابد پاینده است و آن کس که در آخرالزمان از آن برخوردار باشد، نیک فرجام خواهد بود. (۴۸) از این رو، برادران عزیزم، از ته دل به سوی پدر دعا کنید تا سرشار از فیض الهی گردید، فیضی که او بر پیروان واقعی پسر خود، عیسی مسیح، ارزانی میدارد، تا شما نیز در زمره فرزندان او بشمار آید، تا به هنگام ظهورش به مانند او باشیم، تا او را آن چنان که هست به بینیم، تا بتوانیم امیدوار باشیم، تا شاید درست به مانند او منزله گردیم. آمین.

باب هشتم

رساله مورمون به مورونی - خردسالان را نیازی به توبه و تعمید نیست.

(۱) در رساله‌ای که به خامه پدرم مورمون، بلافاصله پس از گماشتن این بنده، مورونی، به خدمات دینی نوشته شده، این چنین آمده است. (۲) مورونی، فرزند عزیزم. بسیار مشعوفم که مورد عنایات سرور خود، عیسی مسیح، قرار گرفته‌ای و او تو را جهت خدمتگزاری و انجام وظایف مقدس دینی فرا خوانده است. (۳) من همیشه تو را در عبادت به خاطر دارم و مدام به درگاه خداوند و به نام فرزند مقدسش، عیسی، دعا میکنم تا به جهت ایمان استواری که داری، تو را در سایه رحمت بی‌کرانش حفظ کند. (۴) و اینک پسر، لازم است درباره موضوعی که سخت اندوهگینم میسازد سخن گویم. من از آن میترسم که میان شما ناسازگاری پدید آید. (۵) زیرا اگر درست فهمیده باشم، درباره تعمید فرزندان

خردسالان در میان شما گفتگویی در گرفته است. (۶) و اینک پسر، آرزومندم تا در رفع این اشتباه عظیم بکوشید، زیرا به همین منظور بنوشتن این رساله دست زده‌ام. (۷) به محض آن که از این گفتگوی شما مطلع شدم، درباره این موضوع از خداوند استفسار کردم و پیامی که او به وسیله روح القدس به من ابلاغ کرد چنین بود: (۸) به سخنان مسیح، منجی، خداوند و سرور خود گوش فراده. بدان که من به این جهان آمدم تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم نه پرهیزکاران را. بیماران نیاز به طبیب دارند نه تندرستان. بنابراین، کودکان خردسالان را که تندرستند و در معرض ارتکاب گناه نیستند از نفرینی که بر آدم شده مبری دانسته میشوند، بوسیله من، لذا برای آن نفرین و همچنین آئین ختنه خردسالان اعتباری قائل نیستم. (۹) و بدین سان روح القدس پیام الهی را بر من آشکار ساخت. بنابراین فرزندم، من میدانم که تعمید اطفال خردسال به نزد خداوند مسخره‌ای شدید است. (۱۰) من برای اطلاعاتان به شما میگویم که این امور را تعلیم بدهید: توبه و تعمید از برای کسانی که مسئولند و قادر به ارتکاب گناه، آری، و به والدین تعلیم دهید که توبه کنند و تعمید بیابند و خویشان را همچون اطفال خردسال خود فروتن سازند تا جملگی با فرزندان خود رستگار شوند. (۱۱) ولی اطفال خردسال آنان را نیازی به توبه و تعمید نیست. بدانید که تعمید از برای توبه و تحقق فرامین جهت آمرزش گناهان است. (۱۲) ولی از روز اول، حیات کودکان خردسال در دست مسیح بوده است. اگر جز این میبود باید گفت که خداوند تبعیض قائل میشود و تغییر پذیر است و میان بندگان خود فرق میگذارد، زیرا بسیارند کودکانی که بدون تعمید درمیگذرند. (۱۳) از این رو اگر اطفال خردسال نتوانند بدون تعمید رستگار شوند، پس باید گفت که آنان به دوزخی بی پایان میروند. (۱۴) اینک، من به شما میگویم آن کس که تصور میکند اطفال خردسال را نیاز به تعمید است، فکرش مسموم است و در بند گناه است، زیرا که چنین فردی نه مؤمن است و نه امید و نه محبت دارد. از این رو اگر این مرد با این طرز فکر بمیرد، يك راست روانه دوزخ میشود. (۱۵) این پندار که خداوند يك کودک را به خاطر آن که تعمید یافته نجات میدهد و دیگری

را به خاطر آن که تعمید نیافته است به هلاکت میرساند، بسیار شریر است. (۱۶) وای بر کسانی که پیام الهی را اینگونه تحریف میکنند، که اگر آنان توبه نکنند از میان میروند. اینک، من با استظهار به قدرت الهی با چنین صراحتی با شما سخن میگویم و از عکس العمل آدمیان هراسی ندارم، زیرا که عشق مطلق ترس را زایل میسازد. (۱۷) و من سرشار از محبت ام، یعنی عشقی بی پایان، بنابراین همه کودکان در نظر من مساوی اند و کمال محبت را به آنان دارم و همه آنان رستگار خواهند شد. (۱۸) زیرا من میدانم که خداوند نه میان بندگان تبعیض قائل میشود و نه تغییرپذیر است. بلکه او از ازل تا ابد لاتغیر است. (۱۹) اطفال خردسال نمیتوانند توبه کنند، از این رو رحمت پاک الهی را از آنان دریغ داشتن، گناهی وحشتناک است. زیرا که حیات اطفال خردسال در ید مسیح است. (۲۰) و کسی که میگوید اطفال خردسال نیاز به تعمید دارند، منکر رحمت مسیح است و کفاره و نیروی نجات دهنده‌ایی او را هیچ می‌انگارد. (۲۱) وای بر چنین کسان که خطر مرگ، دوزخ و عذابی بی پایان در انتظارشان است. خداوند به من فرموده است که با صراحت سخن گویم. به این سخنان با دقت گوش فرادهید، والا در برابر کرسی عدل مسیحائی بر ضد شما گواهی خواهد داد. (۲۲) حال رحمت مسیح شامل حال همه اطفال خردسال و کسانی است که فاقد شریعت هستند. زیرا که رحمت الهی شامل کسانی میشود که شریعتی ندارند. بنابراین کسی که محکوم نیست و در معرض هیچ محکومیتی قرار ندارد، نمیتواند توبه کند و تعمید این کسان سودی در بر ندارد. (۲۳) اما انکار کردن رحمت مسیح و قدرت روح مقدسش و دست زدن به کردار ناشایست در پیشگاه خداوند مسخره‌ای بیش نیست. (۲۴) فرزندم، چنین فکری نباید گرفت، و آگاه باش که توبه جهت کسانی است که در معرض محکومیت و عذاب شکستن قانون هستند. (۲۵) و نخستین حاصل توبه تعمید است و تعمید در نتیجه بکار بستن فرامین الهی صورت میگیرد و بکار بستن فرامین الهی سبب آمرزش گناهان میگردد. (۲۶) و آمرزش گناهان به فروتنی و دل افتادگی میانجامد و به جهت فروتنی و دل افتادگی زیارت روح القدس دست میدهد که با امید و

محبت مطلق خود آرامشبخش دلهاست، محبتی که ناشی از اهتمام ورزیدن به عبادت تا به روز آخرت است، روزی که همهٔ پاکان در ملکوت الهی به سر خواهند فرد. (۲۷) پسرم، بدان که اگر بزودی به جنگ لامانیان نروم، دوباره با تو مکاتبه خواهم کرد. آگاه باش که اگر نافیان توبه نکنند، به سبب کبر و نخوت خود نابود خواهند شد. (۲۸) پسرم، از برای آنان دعا کن، که به توبه توسل جویند. اما بدان که من از آن میترسم که روح القدس از کشمکش با آنان دست کشیده باشد و آنان تصور کنند که قدرت و اقتدار الهی ناچیز است و منکر روح القدس شوند. (۲۹) پسرم، آنان با انکار چنین حقایق شگرفی بزودی دستخوش نیستی میشوند تا پیشگوئیهای پیامبران و سخنان منجی به حقیقت پیوندد. (۳۰) خداحافظ پسرم، تا اینکه یا با تو مکاتبه کنم یا دوباره ملاقات کنم. آمین.

باب نهم

دومین رسالهٔ مورمون به پسرش مورونی - بی رحمی‌هایی که لامانیان و نافیان مرتکب شدند - آخرین پیام محبت آمیز یک پدر.

(۱) فرزند دلبندم، باز دیگر تو را مخاطب قرار میدهم تا بدانی که هنوز من زنده‌ام. اما این بار مکتوب من در باره موضوعی غم انگیز است. (۲) بدان که من درگیر و دار جنگی سخت با لامانیان بوده‌ام که به پیروزی ما نیانجامید. ارکیانتوش و نیز لورام و امرون به ضرب شمشیر از پای درآمدند. آری، و ما تعداد زیادی از مردان برگزیده خود را از دست دادیم. (۳) و اینک، فرزندم از آن بیم دارم که لامانیان این قوم را نابود کنند، زیرا آنان توبه نمیکنند و شیطان آنان را به ستیزه با یکدیگر بر میانگیزد. (۴) من مدام با آنان در کشمکش هستم و زمانی که پیام خداوند را با تندی با آنان در میان مینهم بر خود می‌لرزند و بر من خشمگین میشوند و زمانی که تندی بکار نمیرم با من ناسازگاری میکنند. لذا از آن میترسم که روح الهی از کشمکش با آنان دست کشیده است. (۵) چه خشم آنان آنچنان بالا گرفته است که به نظر میرسد از مرگ هم بیمی ندارند. محبت خود را نسبت به یکدیگر از دست داده‌اند و مدام تشنه خون هستند و در پی

گرفتن انتقام اند. (۶) و اینک، فرزند دلبندم، علی رغم ناسازگاری آنان، لازم است مجدانه سعی خود را به کار بریم، زیرا هرآینه ما از کوشش خود دست بکشیم، محکوم خواهیم گشت. زیرا در این دنیای خاکی وظیفه‌ای داریم که باید انجام دهیم تا بر خصم پرهیزکاران غلبه کنیم و روحمان به ملکوت الهی راه یابد. (۷) و اینک، به اختصار به شرح مصائب این قوم میپردازم، زیرا بر طبق خبری که از اموران دریافت کرده‌ام، آگاه باش، که لامانیان جمعی از مردان و زنان و کودکان ساکن برج شریزاه را دستگیر و زندانی کرده‌اند. (۸) شوهران و پدران زنان و اطفال را کشته‌اند و زنان را به خوردن گوشت اجساد شوهران خود و کودکان را به خوردن گوشت اجساد پدران خود وادار کرده‌اند و آب آشامیدنی را، جز به مقدار اندک، از آنان گرفته‌اند. (۹) و با این حال جنایات عظیم لامانیان از بیرحمی‌هایی که قوم ما در ماریانوم مرتکب شد فجیعتر نبود. بدان که آنها بسیاری از دختران لامانیان را به اسارت در آوردند و به گوهر گرانبهای عفت و پاکدامنی آنان تجاوز کردند. (۱۰) و پس از ارتکاب به این جنایات، آنان را به دلخراش‌ترین وضعی تا سرحد مرگ شکنجه جسمی داده، میکشند و پس از آن با قساوت به مانند حیوانات درنده اجساد کشتگان را میخوردند، و این کار را به علامت جرأت انجام میدهند. (۱۱) آه، فرزندم، چگونه قومی تا این حد میتواند از تمدن به دور باشد؟ (۱۲) چند سالی نگذشته است که آنان قومی متمدن و پسندیده شدند. (۱۳) اما پسر، چگونه قومی که تا این اندازه میتواند از بیرحمی لذت ببرد، (۱۴) چگونه میتوانیم انتظار داشته باشیم که خداوند در داوری بر ضد ما درنگ کند؟ (۱۵) اینک، من در دل به حال این قوم میگیرم. خداوندا، تو خود از برای داوری ظاهر شو و گناهان و پلیدیها و شرارتهای آنان از در پیشگاه خود پنهان کن. (۱۶) فرزندم، هنوز بسیاری بیوه زنان و دخترانشان در شریزاه مانده‌اند و توشه‌ای را که لامانیان با خود نبردند به دست سپاهیان زنفی افتاده است. از این رو آنان در پی یافتن خوراکی سرگردان‌اند و به هر جایی میگردند، و بسیاری از زنان سالخورده در این سرگردانی از حال میروند و میمیرند. (۱۷) لشکر ما ضعیف است و سپاهیان

لامانی بین من و شریزاه مستقر گشته‌اند و فراریانی که به لشکر هارون پیوسته‌اند قربانی وحشیگری آنان شده‌اند. (۱۸) اما از شرارت قوم من که فاقد ضابطه و ترحم هستند. حال يك فرد انسانی بیش نیستم و قدرت من در حد يك فرد انسانی است، دیگر نمیتوانم به دستورات خود جامه عمل پوشم. (۱۹) و آنان به کجروی خو گرفته، ددمنش شده‌اند و از پیر و جوان نمیگذرند و از ارتکاب به عمل ناپسندی لذت میبرند. مصائب زنان و اطفال ما در این دیار از حد فزون است، آری، زبان از بیان آن و قلم از توصیف آن عاجز است. (۲۰) و اینک، پسر، من بیش از این درباره این صحنه هولناک سخن نمیگویم. همانا، تو از شرارت این قوم آگاهی و تو میدانی که آنان پایبند هیچ مسلک اخلاقی نیستند و تبهکاریهایشان از لامانیان بیشتر است. (۲۱) پسر، بدان که من آنها را شایسته معرفی به خداوند نمیدانم، مبادا که او مرا تنبیه کند. (۲۲) ولی پسر، بدان که از معرفی تو به خداوند ابائی ندارم و از برای رستگاری تو به مسیح توکل میکنم و برای سلامتی تو به پیشگاه خداوند نیایش میکنم تا زنده بمانی و بازگشت این قوم به سوی او را مشاهده کنی و یا نابودی کامل آنان را به بینی. زیرا من آگاهم که اگر توبه نکنند و به سوی او باز نگردند، نابود میشوند. (۲۳) و اگر نابود شوند به سبب سخت دلی، خون آشامی و انتقام جوئی به سرنوشت یاردیان گرفتار شوند. (۲۴) و اگر دستخوش نابودی شوند میدانم که بسیاری از برادران ما به لامانیان گرویده‌اند و بسیاری دیگر نیز به آنان خواهند پیوست. از این رو اگر تو جان سالم به در بردی و من مردم و تو را ندیدم، این مطالب را بنویس، ولی من امیدوارم که تو را بزودی بینم، زیرا نوشته‌های مقدسی را در اختیار دارم که میخواهم به تو بسپارم. (۲۵) پسر، صادقانه به مسیح وفادار باش و امیدوارم مطالبی که نوشته‌ام باعث ملال خاطر نگردد و تو را اندوهگین نسازد. آرزو دارم تا مسیح تو را به تعلی رساند و همیشه مصائب و مرگ او را و ظهورش را بر پدران ما، و رحمت، شکیبائی، امید به شکوه و حیات جاودانی‌اش را در خاطر داشته باشی. (۲۶) باشد که از عنایات خداوند که سریرش در آسمانهاست و سرور ما، عیسی مسیح، که مستظهر به قدرت اوست تا همه چیز

به زیر فرمانش درآید، برخوردار باشی. آمین.

باب دهم

وداع مورونی با لامانیان - شرایط دریافت گواهی فردی مبنی بر حقانیت کتاب مورمون - مورونی نوشتهای مقدس را مهر و موم می کند.

(۱) اکنون، این بنده، مورونی به شرح کوتاهی که مفید به نظر من می رسد می پردازم. و این را خطاب به برادران لامانی می نویسم، و می خواهم که آنان بدانند که از نشانه ظهور مسیح بیش از چهارصد و بیست سال سپری شده است. (۲) و من پس از سخنی کوتاه در راه ارشاد شما این اسناد را مهر و موم می کنم. (۳) همانا، من به شما توصیه می کنم تا اگر به تقدیر الهی به خواندن این اسناد توفیق یافتید، به خاطر داشته باشید و نیز در دل با خود بیندیشید که خدا از آغاز خلقت آدم تا زمانی که این اسناد را می خوانید چه اندازه بر ابنای بشر بخشاینده بوده است. (۴) و من به شما توصیه می کنم هنگامی که این اسناد را دریافت می دارید، از خدا، پدر جاودانی و به نام مسیح درباره حقانیت آنها مسئلت نمایید. و اگر با دلی پاک و از روی خلوص نیت و با ایمان به مسیح مسئلت نمایید، او به وسیله نیروی روح القدس حقیقت را بر شما آشکار خواهد ساخت. (۵) و به وسیله نیروی روح القدس است که می توانید از تمام حقایق آگاه شوید. (۶) و هرچه نیکوست حقانیت دارد و درست است. بنابراین هیچ چیز نیکویی وجود مسیح را منکر نمی شود، بلکه مؤید هستی اوست. (۷) و شما به وسیله نیروی روح القدس به وجود او پی می برید، از این رو من به شما نصیحت می کنم که منکر قدرت خدا نشوید، زیرا او به نسبت ایمان آدمیان قدرت خود را هم امروز و هم فردا و هم برای همیشه بکار می برد. (۸) و همچنین به شما برادران خود نصیحت می کنم که عطایای الهی را انکار نکنید، چه آنها بسیارست و از جانب همان خدا می رسد و با آن که این عطایا به شیوه های گوناگون به انسان می رسد، خدا در تمام احوال ناظر بر همه امور است. و عطایایی که متجلی به روح الهی است به انسان می رسد تا از آن بهره مند شود. (۹) زیرا بدانید که به یکی آن می رسد تا بوسیله روح الهی به تعلیم

کلمات حکیمانه پردازد. (۱۰) و به دیگران آن می رسد تا بوسیله همان روح علم را بیاموزد. (۱۱) و به دیگری ایمانی خارق العاده می دهد، و به دیگری عطیه شفا بخشیدن به توسط همان روح می رسد. (۱۲) و همچنین به دیگری عطیه دست زدن به معجزات شگرف می رسد. (۱۳) و همچنین به دیگری پیش بینی درباره امور می رسد. (۱۴) و همچنین به دیگری عطیه دیدار فرشتگان و ارواح نیکو می رسد. (۱۵) و همچنین به دیگری عطیه داشتن چند زبان می رسد. (۱۶) و همچنین به یکی عطیه تفسیر زبان ها و لهجه های گوناگون. (۱۷) و تمام این عطایا بوسیله روح مسیح ارزانی می شود و انسان بر طبق اراده مسیح از آنها برخوردار می شود. (۱۸) و من به شما برادران عزیز خود نصیحت می کنم که به یاد داشته باشید که همه عطایای نیک از جانب مسیح می رسد. (۱۹) و من به شما برادران عزیزم اندرز می دهم تا به خاطر داشته باشید که پدر آسمانی، دیروز و امروز و تا ابد یکسان خواهد بود و تا دنیا دنیاست عطایای روحانی که از آن سخن گفته ام پا برجا خواهد بود و هرگز بدست فراموشی سپرده نخواهد شد، مگر به سبب بی ایمانی ابنای بشر. (۲۰) بنابراین داشتن ایمان ضروری است، و لازمه داشتن ایمان امید است و لازمه ایمان محبت است. (۲۱) و جز از طریق محبت به هیچ وجه نمی توان به ملکوت الهی راه یافت و در ملکوت الهی نیز شرط رستگاری امیدواری و ایمان داری است. (۲۲) و اگر امیدوار نباشید الزاماً نا امید هستید و نا امیدی از گناه سرچشمه می گیرد. (۲۳) و مسیح به پدران ما به راستی فرمود: اگر ایمان داشته باشید، به انجام هرکاری که من صلاح بدانم قادر خواهید بود. (۲۴) و اینک من خطاب به مردم اقصی نقاط جهان می گویم که اگر روزی از قدرت و عطایای الهی محروم گردید به سبب بی ایمانی شماست. (۲۵) وای بر آدمیان اگر چنین حادثه ای روی دهد، زیرا در آن موقع حتی یک نیکوکار هم در میان شما نخواهد بود، چه اگر حتی شخصی نیکوکاری در میان شما کند از قدرت و عطایای الهی برخوردار خواهد شد. (۲۶) وای بر کسانی که این مسائل را نادیده می گیرند و در چنین حالت فوط کنند و کوشای نابودی این امور حیات را بدرود میگویند،

زیرا آنان با گناهان خود می میرند و در ملکوت الهی راهی برای نجات ایشان نیست. و بدانید که من این سخنان را از مسیح نقل می کنم و دروغ نمی گویم. (۲۷) به شما اندرز می دهم که این سخنان را به خاطر بسپارید، زیرا بزودی زمانی فرا خواهد رسید که در خواهید یافت که من دروغ نمی گویم، چه مرا در محکمه الهی خواهید دید و خدا خطاب به شما خواهد گفت: آیا من پیام خود را که به توسط این شخص نوشته شده به شما ابلاغ نکردم؟ آری، به شما چون کسی که گویی از دنیای مردگان و از درون خاک فریاد برمی آورد پیام ندادم؟ (۲۸) من این مطالب را به منظور تحقق یافتن پیشگویی پیامبران اعلام می کنم. و بدانید که آنها را از زبان خدای جاودانی نقل می کنم و پیام او از نسلی به نسل دیگر خواهد رسید. (۲۹) و خدا به شما نشان خواهد داد که آنچه را که نوشته‌ام درست است. (۳۰) و دیگر بار به شما توصیه می‌کنم که به سوی مسیح روی آورید. از عطایای او برخوردار شوید و از هدایای شرارت و از پلیدی‌ها دوری جوید. (۳۱) بیدار شو! و از درون خاک برخیز، ای اورشلیم. آری، جامه زیبای تقوی بر تن کن. ای دختر صهیون و وتدهای خیمه‌ات را استوار کن و بر حدود و اطرافت بیفزا. از این پس دیگر سرکوب نخواهی شد تا پیمان‌هایی که پدر جاویدان با شما ای خاندان اسرائیل بسته است تحقق پذیرد. (۳۲) آری، به سوی مسیح روی آورید تا در وجود او به کمال رسید و خود را از هرگونه آلودگی دور سازید و هرآینه از تمام آلودگی‌ها اجتناب کنید و با تمام نیروی فکری و جسمی خود پروردگار خود را دوست بدارید، آنگاه از فیض او به قدر کافی برخوردار خواهید شد و به کمال خواهید رسید. و اگر از فیض پروردگار به توسط مسیح برخوردار باشید و به کمال رسید هرگز منکر قدرت پروردگار نخواهید شد. (۳۳) و همچنین اگر از فیض پروردگار به توسط مسیح به کمال رسید و منکر قدرت الهی نباشید، آنگاه به توسط مسیح تقدیس خواهید شد و بوسیله خون مسیح که طبق پیمان پدر آسمانی برای آمرزش گناهان شماست منزه و مقدس خواهید گشت. (۳۴) و اینک به همه شما بدرود می گویم. من بزودی روانه ملکوت الهی خواهم شد تا کالبد و روانم دوباره به هم پیوند و

پیروزمندانه شما را در آسمان ها در برابر دادگاه شایسته بهوه بزرگ، قاضی
جاودان مردگان و زندگان ملاقات کنم. آمین.

www.KetabFarsi.com

www.KetabFarsi.com

PERSIAN



4 02335 68382 6

33568 382

